

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





رهیافتگان

شناسنامه

- نام نشریه : رهیافتگان . شماره ششم . اسفندماه ۱۴۰۰
ویژه نامه بزرگداشت مرحوم آیت الله سلطان الواعظین شیرازی
مدیرمسئول : تراب حسینی
سردبیر : محمد مهدی خانجانی
هیئت تحریریه : محمدعلی نجفی، امیرحسین عباسی، سید مهدی مرتضوی،
وحید غیب غلامی، مهدی خانی، سجاد پسندیده
ناشر : بنیاد بین المللی استبصار
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
وب سایت : www.estebzar.ir
شماره تماس : ۰۹۹۱۷۷۰۰۰۱۴

باقدردانی از تمام عزیزانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند.

تمام حقوق این اثر، برای بنیاد بین المللی استبصار محفوظ است.

فهرست مطالب

۶ مقدمه
۷ نمایی از همایش های بیدارگران
۹ آشنایی با مرحوم سلطان الواعظین شیرازی <small>رحمة الله عليه</small>
۱۴ مصاحبه با استاد آیت الله نجم الدین طبسی <small>حفظه الله</small>
۱۶ مصاحبه با استاد آیت الله سید علی میلانی <small>حفظه الله</small>
۱۹ مصاحبه با استاد حجت الاسلام و المسلمین رضا مختاری <small>حفظه الله</small>
۲۱ مصاحبه با استاد آیت الله یوسفی غروی <small>حفظه الله</small>
۲۳ مصاحبه با استاد حجت الاسلام و المسلمین نظری منفرد <small>حفظه الله</small>
۲۵ مصاحبه با استاد حجت الاسلام و المسلمین تیموری <small>حفظه الله</small>
۲۸ بیانات مرجع عالیقدر آیت الله العظمی شبیری زنجانی <small>حفظه الله</small>
۲۹ مصاحبه با استاد آیت الله حسین انصاریان <small>حفظه الله</small>
۳۲ پیام مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سبحانی <small>حفظه الله</small> به همایش بیدارگران (۳)
۳۴ گزارش همایش بیدارگران (۳)

روحِ پیر کی

ویژہ نامہ

بزرگداشت عالم کرامت قدمِ حرمِ آیت اللہ سلطان الواعظین شیرازی ^{قدس سرہ}



بنیادین المللی
استبصار

بیان شیرین که همگان را مسحور می نمود این امتیاز نیز تعجب مستمعان را بر می انگیزد.

سلطان الواعظین برای دفاع از حریم ولایت سر از پا نمی شناخت و در این مسیر حد و مرزی هم قائل نبود و در این راه به نقاط گوناگون عالم سفر نمود و جلسات متعدد با عالمان اهل سنت برپا نمود. دیدار مناظرات او با عالمان اهل سنت پیشاور پاکستان از جلسات و مناظرات مهم او محسوب می شد که در نهایت به شیعه شدن جمعی از عالمان و مردم پیشاور منجر شد و خبر این اتفاق مهم در جراید آن زمان انعکاس ویژه یافت. بعدها سلطان الواعظین داستان این مناظرات شبانه را در کتابی گرد آورد، کتابی که از نام صاحبش مشهور تر است و بسیاری کتاب را می شناسند اما با نام سلطان الواعظین آشنا نیستند. کتاب قطور و ارزشمند شب های پیشاور که داستان آن مناظرات است خود به یکی از عوامل تاثیر گذار در استبصار بسیاری از مستبصران فارسی زبان مبدل شد و به زبان های دیگر نیز ترجمه گردید.

مرحوم سلطان الواعظین که در طول عمر شریفش خصوصا با خطابه و بیان زیبا به دفاع از حریم ولایت می پرداخت در ده سال آخر عمر دچار بیماری گردید و خانه نشین شد و هفت سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دار دنیا را وداع گفت.

اکنون پس از پنجاه سال از ارتحال آن بزرگ مرد، بنیاد بین المللی استبصار جریان برگزاری سلسله نشست های بیدارگران نسبت به نکوداشت آن عالم فرزانه اهتمام نمود و یاد آن سلاله سادات که هم اکنون مرقد منورشان در آرامستان ابوحسین قم در جوار حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار دارد را گرامی داشت.

باشد که مبلغان جوان سیره آن مجاهد خستگی ناپذیر و شجاع را الگوی تبلیغی خویش قرار دهند و در جرگه بیدارگران قرار گیرند.

والسلام - تراب حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

ولایت که اساس دین است و اگر ابلاغ نمی شد رسالت پیامبر مکرم تمام نمی گشت از همان آغاز ابلاغ مورد جفا واقع شد و امیر ولایت سال ها خانه نشین و در مهجوریت قرار گرفت. در طول تاریخ انسان های حق مداری به دفاع از ولایت اهتمام ورزیدند و در دوره های گوناگون که غالباً تشیع در ضعف و تنگنا بوده است حقانیت اهل بیت را فریاد زده و به بیدارگری پرداخته اند.

مدافعان واقعی ولایت همواره روش های قرآنی را در جدال احسن و مرء ظاهر مدنظر داشته و از سیره تقیه معصومان خصوصا تقیه مداراتی آنان و ادب الخلاف عدول ننموده و با اخلاق و رفتار نیک و با قول لین به بیان حقایق پرداختند و تلاش نمودند تا کورسوی نور ایمان در میان ابرهایی تیره و تار گم نشود.

یکی از عالمان مجاهد که از بیدارگران اقلیم هدایت می باشد مرحوم سلطان الواعظین شیرازی است. عالمی که ویژگی هایی ممتاز و منحصر به فردی داشت، سیدی از خاندان پاک عصمت و طهارت که سیره مادرش حضرت صدیقه علیها السلام را دنبال نمود و مظلومیت ولایت را در تمام عمر فریاد زد.

سلطان الواعظین سوای از علم و دانش حوزوی و فقه و اصول نسبت به مباحث امامت و ولایت و اثبات آن از منابع اهل تسنن غایتی ویژه به خرج داد که خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران و «الفضل ماشهدت به الاعداء»

ایشان در مباحثات و مناظرات تلاش می نمود تمام ادعاهای خویش در مباحث ولایت را به منابع معتبر نزد اهل تسنن مستند نماید. و نکته عجیب حافظه بالای آن عالم بزرگ بود که در جلسات مناظره آدرس ها را با اتکا به حافظه قوی بیان می نمود و سوای از کلام و

نمایش همایش‌ها بیدارگرها

لبنانی در موسم‌های تبلیغی به منطقه آمریکای لاتین که عمدتاً اسپانیایی زبان بودند سفر کرد. در همین سفرها بود که تصمیم گرفت به جای مترجم دیگران بودن، خود طلبه شود و این بود که در سال ۱۳۷۶ و در سن ۲۳ سالگی برای ورود به حوزه علمیه به ایران سفر کرد. حضور در ایران فصل دیگری از زندگی را در برابر سهیل اسعد گشود و اینک پس از ۲۵ سال خروج از سرزمین مادری، در بیش از ۳۰ کشور جهان به تبلیغ تشیع پرداخته و همچنان حرکت و تلاش او به سوی حقیقت ادامه دارد.

گزارش همایش



سخنران اول همایش حجت الاسلام سید امیرحسین حسینی از مبلغان بین المللی در خصوص عوامل تبلیغ موفق برای دکتر سهیل اسعد موارد زیر را برشمردند: آراستگی ظاهر، سعی در تکمیل کارها، نداشتن غرور علمی و مشورت با خبرگان، در نظر گرفتن سطح و فهم مخاطب در سخنرانی، متکی به خود بودن، صراحت لهجه، احترام به بزرگان، اهل مطالعه بودن، استفاده از طنز ملیح و جذاب.

سخنران دوم همایش استاد نادر طالب زاده نیز با اشاره به اینکه:

دکتر سهیل اسعد فرزند

منطقه ی آمریکای جنوبی است.

به ضرورت اعزام مبلغ به آن منطقه پرداختند و افزودند

که این امر محقق نمی شود مگر اینکه افرادی از همان منطقه بیایند و حقیقت را دریابند و بعد به منطقه ی خود برگردند و حقیقت را بیان کنند. در بیان ایشان وجود امثال دکتر سهیل اسعد از برکات انقلاب اسلامی می باشد.

در پایان بسته فرهنگی شامل کتاب، نرم افزار قرآنی و نشریه رهیافتگان به مدعوین اعطا شد.



سلسله نشست‌های تخصصی بیدارگران تلاشی در جهت تجلیل و بزرگداشت از مبلغین و مروّجین مکتب تشیع در عرصه های جهانی است. همان هایی که علم «رحمه للعالمین» را به دوش گرفته و پدران برای بشریت دلسوزی می کنند. این همایش با سه هدف:

۱. تجلیل از مبلغین و تقدیر از خانواده های ایشان.
۲. آموزش و ثبت شیوه های تبلیغ موفق بین المللی به طلاب حوزه های علمیه.
۳. همچنین آشنا نمودن عموم مردم در رابطه با تلاش ها و مجاهدت های علما؛ برگزار می گردد.

بیدارگران (۱)

تجلیل از دکتر سهیل اسعد

معرفی:



وی در سال ۱۹۷۵ میلادی در خانواده‌ای از مهاجرین لبنانی در شهر بوینس آیرس آرژانتین به دنیا آمد. به دلیل شرایط و جو حاکم بر زندگی در این کشور اصالت اسلامی معمولاً رنگ می‌باخت و خانواده وی نیز از این امر مستثنا نبود. حدود ۲۰ سال از عمر ایشان می گذشت که به قصد آموزش حرفه مترجمی به لبنان آمده و پس از مدتی همراه با طلاب

بیدارگران (۲)

تجلیل از دکتر سید محمد تیجانی

معرفی:



دکتر سید محمد تیجانی سماوی، در شهر قفصه تونس در سال ۱۳۱۵ شمسی دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات مقدماتی خود را طی ۳ سال در یکی از شعبه‌های دانشگاه زیتونیه گذرانده و تحصیلات تکمیلی را تا مقطع دکترا در دانشگاه سوربن فرانسه به پایان رساند. در این میان با وجود گرایش ایشان به وهابیت و همچنین داشتن جایگاه علمی میان علمای اهل تسنن، دست حق ایشان را به کشور عراق رساند و با آشنایی با علمای شیعه درهای جدیدی از حقیقت به روی او گشوده شد. حاصل همنشینی وی با شهید صدر، آیت الله خویی و هشت سال تحقیق در منابع اسلامی کتاب هایی بود که به ۲۷ زبان ترجمه شده و طبق آمارهای رسمی فقط کتاب «ثم اهتدیت» ایشان تا به امروز در قاره آفریقا ۳ میلیون نفر را شیعه کرده است. نکته قابل توجه در این کتاب ها این است که وی در هیچ یک از آنها حتی یک استدلال از منابع شیعه بیان نکرده است. امروز این عالم و مبلغ با تجربه هنوز هم هر هفته و هرماه در حال هجرت و تبلیغ تشیع است، تاجایی که کمتر کشوری است که نامی از اسلام در آن باشد و دکتر تیجانی شخصاً برای تبلیغ در آن حضور نیافته باشد.

گزارش همایش

تشدید بیماری کرونا باعث شد این نشست با حضور محدود چند تن از مسئولین تبلیغی، نمایندگان بیوت مراجع و چهره های علمی برگزار گردد. اما نکته قابل توجه این بود که از طریق شبکه اینترنتی عبارات و از طریق لایو اینستاگرام بنیاد بین المللی استبصار به طور بی سابقه

۷۰۰۰۰ نفر این برنامه را دنبال می کردند. در ابتدا دکتر عصام العماد مستبصر یمنی از ویژگی های منحصر به فرد این عالم فرهیخته را چنین بیان نمودند: بیان ساده و روان و دوری از واژگان سخت، سعه صدر و تواضع بی نظیر، اخلاص فراوان، محبت ویژه به اهل بیت علیهم السلام، توجه به سطح مخاطب، استفاده از روش های نوین مناظره، مراعات تقیه، عشق عمیق به انقلاب اسلامی.



در ادامه مراسم حجت الاسلام ملانوری معاونت فرهنگی تبلیغی حوزه های علمیه کل کشور

و حجت الاسلام دکتر روستا آزاد معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات

در تجلیل از مقام شامخ دکتر تیجانی صحبت نمودند.

در پایان نیز از دکتر تیجانی تجلیل گردید.



آشنایی با سلطان الواعظین

زندگینامه مرحوم سلطان الواعظین شیرازی رحمته الله علیه

سید محمد موسوی سلطان الواعظین در سال ۱۳۱۴ ه. ق در تهران چشم به جهان گشود.

خانواده ای که سید محمد در آن به دنیا آمد از معتبرترین سادات ایران بشمار می‌رود. نسب شریف وی چنان که مرحوم آیت الله نجفی مرعشی نگاشته اند، با ۲۵ واسطه به امام کاظم علیه السلام می‌رسد. این سلسله شریفه در ایران - که به حضرت سید امیر محمد عابد، فرزند بلاواسطه امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ختم می‌شود - دارای احترام خاصی در طول تاریخ بوده است. مهاجرت آن‌ها به ایران در زمان مأمون و دوران حضور حضرت ثامن الائمه، علی بن موسی الرضا علیه السلام، در مرو صورت گرفته است.

حضرت سید امیر محمد عابد فرزندان عالی قدری داشته است که افضل آن‌ها در علم و زهد و تقوی، حضرت سید ابراهیم مجاب بوده است. نوادگان او در قرون اخیر به مجابی شهره گشته اند. یکی از این سادات جلیل القدر مجابی، مرحوم آقا سید حسن واعظ شیرازی می‌باشد. وی جد بزرگ مرحوم سلطان الواعظین است. آقا سید حسن در مسیر سفری که به مشهد مقدس داشته است، به تقاضای فتحعلی شاه قاجار در تهران اقامت گزیده و به وعظ و خطابه و تبلیغ مشغول می‌شود. وی در سال ۱۲۹۱ ه. ق درگذشت. بعد از او فرزندش آقا سید قاسم بحرالعلوم که به زهد و تقوی مشهور بود ریاست (نقابت) سلسله جلیله سادات شیرازی را به دست گرفت و بعد از ایشان ریاست این خاندان به مرحوم حاج سید علی اکبر اشرف الواعظین پدر صاحب ترجمه، مرحوم سلطان الواعظین رسید. سلطان الواعظین در همان اوان کودکی در خدمت پدر ارجمندش مشغول

فراگیری معارف دینی شد و سپس در مدرسه پامنار تهران از محضر اساتید و علمای دیگر بهره مند شد. ایشان پس از مدتی، در سال ۱۳۲۶ ه. ق، راهی عتبات عالیات شد و در جوار بارگاه سید و سالار شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام در کربلا اقامت گزید و با استعانت از آن وجود شریف، مشغول تحصیل علوم دینی گردید.

ایشان در این شهر از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله فاضل مرندی و آیت‌الله شهرستانی کسب فیض نمود. وی پس از مدتی به تهران بازگشت و بعد از درگذشت پدر گرامش در سال ۱۳۵۱ ه. ق از آنجا به قم آمد و از محضر برخی بزرگان حوزه علمیه قم نیز استفاده نمود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری
- ۲- آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمری
- ۳- آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری
- ۴- آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی

سلطان الواعظین حدود پنج سال در قم از محضر اساتید فوق استفاده کرد و سپس به تهران بازگشت. ایشان از عده ای از مراجع و بزرگان حوزه اجازه روایت حدیث و کتب روایی را داشت، از جمله حضرات آیات عظام: شیخ عبدالکریم حائری، شیخ عبدالله مامقانی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج سیدابوالقاسم طباطبائی غروی و سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی. صورت همه این اجازه نامه ها در پایان کتاب شریف شب های پیشاور به چاپ رسیده است.

آثار و تألیفات

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی، اگر چه بیشتر عمر خویش را صرف تبلیغ، وعظ و خطابه کرد و در این جهت هم به‌حق موفق بود، باز از تألیف و تدوین کتب سودمند و نافع برای جامعه اسلامی غافل نماند. این آثار مکتوب عبارت‌اند از:

۱- شب‌های پیشاور:

این کتاب که مهم‌ترین تألیف سلطان الواعظین است، در نوع خود از بهترین آثار در موضوع مربوطه به شمار می‌آید. سید در این کتاب - که مشروح مذاکره و مناظره او در طول ده شب با بعضی از علمای اهل سنت در پیشاور است - اهم موضوعات مورد اختلاف را مطرح نموده و با استدلالی قوی و با استفاده کامل از منابع روائی و تاریخی اهل سنت، مبانی و معتقدات شیعه را به اثبات رسانده است. این کتاب در عین این که مطالب دقیق و تخصصی اختلافی را آورده است، با نثری شیوا و روان برای همه اقشار علمی قابل استفاده هست. مطالعه دقیق آن به خصوص برای جوانان، باعث تحکیم مبانی مذهبی و روشن شدن عقاید حقه شیعه می‌گردد. این کتاب شریف و ارزشمند، چندین بار در زمان حیات مؤلف محترم و ده‌ها بار بعد از ایشان، به چاپ رسیده است. این اثر به تازگی با همت سید حسین موسوی به عربی ترجمه شده، و با تحقیق و تعلیق مترجم، به وسیله مؤسسه البلاغ در بیروت تحت عنوان «لیالی پیشاور» به چاپ رسیده است.



۲- گروه رستگاران:

این کتاب در دو جلد قطور به چاپ رسیده است. موضوعات آن نیز مانند شب‌های پیشاور، بیشتر حول محور اثبات حقانیت شیعه است. مؤلف محترم در جلد دوم کتاب به پاسخ نوشته‌های شهرستانی در ملل و نحل و رد ادعاهای او در مورد شیعه می‌پردازد. وی سپس تفاوت‌های گوناگون شیعه و سنی را به اختصار تشریح کرده و عقاید آن‌ها را مطرح می‌سازد. او بخش پایانی جلد دوم در عقاید شیعیان را، با اتکا به مبانی قرآن و حدیث اثبات می‌کند.

۳- صد مقاله سلطانی:

چنان که مؤلف محترم خود در مقدمه گفته است: این کتاب مجموعه صد مقاله‌ای است که آن‌ها را پیرامون تورات، انجیل و قرآن کریم، برای درج و چاپ در نشریه دینی «پرچم اسلام» نگاشته و مقالات مزبور از این نشریه جمع‌آوری شده و پس از تدوین و به‌وسيله خود مؤلف به چاپ رسیده است. سلطان الواعظین حدود پنجاه مقاله اول را به بررسی تحریف‌های صورت گرفته در تورات و انجیل اختصاص داده است. حدود پنجاه مقاله دیگر را نیز در اثبات مراتب اعجاز و حقانیت قرآن کریم نگاشته است. به‌رحال این کتاب، در نوع خود اثر ارزشمندی به شمار می‌رود.

۴- آثار چاپ نشده

از آثار مرحوم سلطان الواعظین شیرازی تنها سه اثر فوق به چاپ رسیده است؛ ولی ایشان تألیفات دیگری نیز دارند که متأسفانه آن‌ها را به زیور طبع نیاراسته‌اند. این آثار به شرح ذیل هست:

۱- عقاید سلطانی: در یک جلد.

۲- سرادقات سلطانی: در صفات و علائم مؤمنین، در ۴ جلد.

۳- فضایح الصوفیه: در حالات و مناشی پیدایش اهل تصوف.

مناظرات

سلطان الواعظین سفرهای متعددی به خارج از ایران داشت، وی در همه این مسافرت‌ها علاوه بر مجالس وعظ و منبر و تبلیغ، با علمای بزرگ فرق و مذاهب نیز به گفتگو و تبادل نظر می‌پرداخت و آراء و عقاید حقه شیعه را با ایشان مطرح می‌ساخت.

او سفرهایی را به مصر، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین و هندوستان انجام داد، و مهم‌ترین آن‌ها - که مناظره معروف او در آن تحقق یافت و باعث شهرت وی گشت - سفر به شهر پیشاور پاکستان بود. ایشان در ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ ق که تنها سی سال از عمرشان می‌گذشت، پس از سفر به عتبات و استعانت از سلطان الاولیاء حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام راهی هندوستان شد.

در کراچی، بمبئی، لاهور، پنجاب، حیدرآباد و بسیاری نقاط دیگر هند مورد استقبال و احترام مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها واقع شد و جلساتی از بحث و مناظره را برقرار کرد. بعد از آن ایشان را به دهلی‌نو دعوت کردند و جلسه مناظره با عده‌ای از علمای هند را برایشان فراهم ساختند. در بعضی از این جلسات که در دهلی انجام می‌شد، رهبر بزرگ هند ماهاتما گاندی نیز شرکت می‌کرد.

بعد از این جلسات سلطان الواعظین به دعوت محمد سرورخان که از متنفذین خاندان قزلباش هندوستان بشمار می‌رفت، برای سخنرانی و خطابه راهی پیشاور شد. این مجلس با حضور جمع زیادی از مردم پیشاور و حومه آن و نیز عده‌ای از علمای فریقین (شیعه و سنی) در امام باره (حسینیه) مرحوم عادل بیک برقرار شد. سلطان الواعظین در این جلسات مباحثی در زمینه خلافت و ولایت و عقاید شیعه مطرح ساخت.

در پایان یکی از این سخنرانی‌ها دو تن از علمای کابل نزد سلطان الواعظین آمده و تقاضا می‌کنند در ارتباط با سخنان او با ایشان مناظره کنند. این دو نفر به نام

حافظ محمد رشید و شیخ عبدالسلام از آن شب به بعد، پس از نماز مغرب و نماز عشاء در حضور جمع زیادی از علما و رجال و مردم شهر، پیرامون مسائل مورد اختلاف با سلطان الواعظین به گفتگو می‌نشستند.

این جلسات پرشور که از شب جمعه ۲۳ رجب ۱۳۴۵ ه. ق. شروع شد، تا ده شب به طول انجامید. جلسه مناظره هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء تا ۶ یا ۷ ساعت و گاهی نیز تا اذان صبح ادامه می‌یافت.

در پیشاور و شهرهای اطراف آن، چون فرق مسلمین در کنار هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر در ارتباط هستند، لذا چنین محفلی با استقبال زیادی روبرو گردید و صورت مذاکرات هر شب، توسط روزنامه های محلی منتشر می‌شد.

در این مباحثات مسائلی از قبیل: دلالت آیات و روایات بر مقام شیعه، عقاید فرق مختلف شیعه، ظلم و ستم خلفا در طول تاریخ نسبت به شیعه، مذاهب اربعه اهل سنت، احادیث مختلف در فضیلت حضرت امیر علیه السلام، دلالت آیات مختلف بر شأن و منزلت حضرت امیر علیه السلام، مسأله سقیفه، شورا، بدعت‌های معاویه، قیام و شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و بسیاری از مباحث تاریخی و اعتقادی دیگر مطرح شده است.

استدلال مرحوم سلطان الواعظین در طول این مناظره، فقط از کتب و منابع اهل سنت می‌باشد، و این خود نشانه تسلط و احاطه آن بزرگوار به منابع تفسیری و روایی عامه است. این احاطه تا جایی است که در برخی موارد موجب حیرت علمای اهل سنت حاضر در مجلس می‌شود و تحسین ایشان را برمی‌انگیزد. به‌راستی حضور ذهن و قدرت حافظه ایشان در ذکر منابع و کتب مختلف برای یک مطلب، حیرت‌انگیز است.

سید در این مناظره طولانی و کم‌نظیر چنان باصلاحت، قدرت و منطق قوی وارد بحث شد که پس از مدت کوتاهی، یکه‌تاز میدان گردید و آقایان بیشتر به مستمع تبدیل شدند، بی‌آنکه بتوانند سخنی بگویند. در پایان

مذاکرات و شب دهم، تعدادی از رجال و بزرگان حاضر در مجلس به مذهب حقه تشیع مشرف شدند؛ ولی آنچه ثمره جاوید این مناظره پراچ بشمار می‌آید، همان کتاب ارجمند «شب‌های پیشاور» است.

مؤلف محترم مشروح مذاکرات را که روز بعد از جلسه توسط جراید محلی چاپ می‌شد مجدداً بررسی کرده است و پس از تنظیم در کتابی قطور به چاپ رسانده است.

آن مدافع حریم ولایت، پس از سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر، واپسین سال‌های عمر خویش را با بیماری شدید قلبی می‌گذراند، به طوری که تقریباً در ده سال آخر زندگی کاملاً خانه‌نشین شد. روح پاک وی سرانجام روز جمعه ۱۷ شعبان ۱۳۹۱ ه. ق. (برابر با ۱۶ مهرماه ۱۳۵۰ ش) در تهران از کالبد خویش گسست و به ملأ‌اعلی پرکشید. پیکر ایشان پس از انتقال به قم، با تشییع باشکوهی توسط علماء و فضلاء حوزه علمیه، در جوار بارگاه نورانی حضرت معصومه علیها السلام در قبرستان ابوحنسین به خاک سپرده شد. نقل شده، بعد از فوت سلطان الواعظین، آیت‌الله حائری

تهرانی، مرحوم حاج سیدجواد سدهی را - که از منبری‌های برجسته تهران بود- در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع خوشی مقیم است.

می‌پرسد: آقای سه‌دهی چطوری؟ می‌گوید:

بسیار خوبم.

از وقتی که آقای

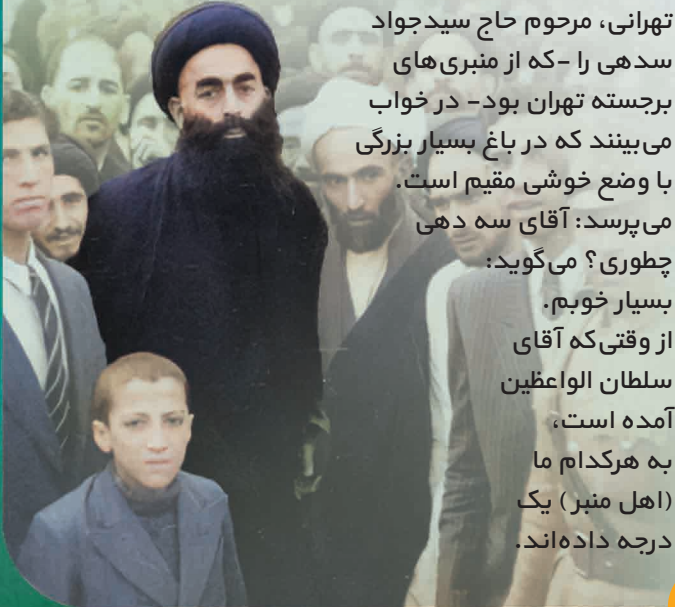
سلطان الواعظین

آمده است،

به هرکدام ما

(اهل منبر) یک

درجه داده‌اند.



مصاحبه‌هایی پیرامون
مرحوم سلطان الواعظین شیرازی
فصل سیزدهم



«تأثیرات کتاب شب های پیشاور در هدایت مردم»

استاد آیت الله نجم الدین طبسی رحمته الله

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه امير المؤمنين و اولاده الطاهرين.

یکی از فضایل حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «علی مع الحق، و الحق مع علی، یدور معه أينما دار»، یعنی حضرت علی علیه السلام با حق است و حق دنباله رو علی بن ابی طالب علیه السلام است. معرفت حق و حقیقت و دنبال حق و حقیقت رفتن، واجب است و این تکلیف را هم خدا و نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند و هم عقل این حکم را می کند که باید دنباله رو حق باشیم.

ما وظیفه داریم که خط و مشی زندگی ما و رفتار و اعتقادات ما به خط و مشی امام علی علیه السلام منجر بشود و حق را از علی و آل علی علیهم السلام اخذ کرده و دریافت کنیم. همچنین وظیفه داریم همین حقیقت را برای دیگر مردمان بیان کنیم و روشن نماییم. مردم مستضعف هستند و اینگونه نیست که همه مردم، معاند و ناصبی باشند. در میان مردمان اهل سنت ممکن است برخی ناصبی باشند، ولی عموماً آن‌ها ناصبی نیستند و اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند و امیرالمؤمنین را خلیفه چهارم می دانند. علمای بزرگ ما در طول تاریخ به این دعوت لبیک گفته و با قلم و قدم خود باعث تشیع افراد فراوانی شده اند. مثلاً علامه مجلسی کتابی با عنوان (حق الیقین) را نگاشتند و بر اثر آن ۷۰ هزار نفر به مذهب تشیع وارد شدند. نمونه دیگر از این علما، علامه امینی است.

ایشان با نگارش (الغدیر)، کاری کردند که شیعه به خودش افتخار می کند و هرکسی هم که شیعه نیست و کتاب را بخواند ناراحت می شود که چرا از حقیقت عقب مانده و به حق نرسیده است. باوجود عبور ده ها سال از تألیف الغدیر، هنوز مدعیان حق نتوانسته اند این

کتاب را رد کنند و ۵۰،۶۰ سال است این کتاب حرف اول را در این زمینه می زند و هر انسان منصفی که این کتاب را خوانده، یا بلافاصله شیعه شده است و یا اینکه با خواندن کتاب، درباره حقانیت مسیر خود به شک افتاده و شک هم مقدمه هدایت است.

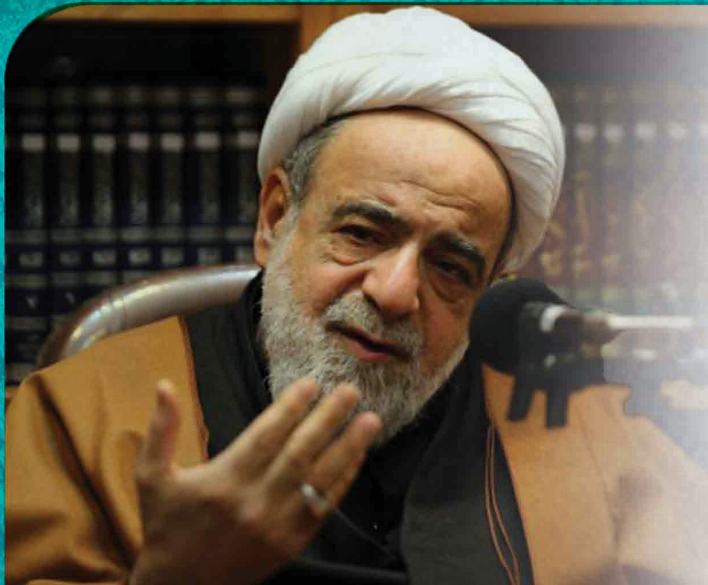
شما در مقدمه مجلدات الغدیر مشاهده می کنید که علما و امرا و شخصیت ها در مدح الغدیر و علامه چه گفته اند. یکی از علمای مصر و مدرسان الازهر، در نامه ای می نویسد:

«من بر اثر کسالت از مطالعه ممنوع شده ام ولی این جلد کتاب را که شما ارسال کردید خواندم و منتظر باقی مجلدات هستم تا آن ها را هم بخوانم.»

خداوند قاضی نورالله شوشتری را رحمت کند. ایشان به قصد مشهد مقدس رفته بود، ولی بعد از اینکه متوجه شد که تشیع در هندوستان ضعیف است، به آنجا رفت و باعث هدایت مردمان بسیاری شد. مرحوم علامه شرف الدین هم دارای تأثیر از این گونه ای بود و کتاب های (المراجعات) یا (النص و الاجتهاد) و خدمات دیگر وی در هدایت مردم مؤثر بوده و در اثر اقدامات او بسیاری حق را شناختند.

از کسانی که در این دوران درخشید و خوش درخشید، مرحوم آیت الله سلطان الواعظین بود. ایشان از دوستان مرحوم والد ما، (آیت الله شیخ محمدرضا طبسی) بود و جزو طلاب اوایل تأسیس حوزه علمیه قم توسط مرحوم آیت الله حائری به شمار می رفت.

در خاطر دارم که در دوران کودکی که در نجف بودیم، مرحوم سلطان الواعظین در نجف به دیدار مرحوم والد ما نیز آمد. این دو باهم رفاقت گرمی داشتند و ظاهراً حساسیت بعضی ها متوجه ایشان بود و ایشان مجبور شدند عرصه را ترک کنند. درواقع ایشان را تبعید کردند و ایشان را از زیر دوش حمام (گرمابه) نزدیک صحن مطهر بیرون بردند و اجازه ندادند غسل خویش را انجام دهد



و او را از عراق تبعید کردند. هیچ بعید نیست حساسیت بعضی‌ها به خاطر همین (کتاب شب‌های پیشاور) بود که باعث شد ایشان را تحت فشار قرار داده و از عراق بیرون بفرستند.

این کتاب را من ۵۲ سال قبل در سال ۱۳۴۸ش خریدم و خواندم. ایشان اصرار داشت این کتاب به دست همه برسد. لذا «در آن زمان که قیمتش ۱۳ تومان بود، ایشان می‌فرمود قیمتش بالا برده نشود و به همان قیمت فروخته شود و در دسترس همه باشد.»

یکی از امتیازات این کتاب متن سلیس و روان آن است و حتی تجدید چاپ آن نیاز به ویراستاری ندارد.

انصافاً این کتاب در دفاع از مذهب یک کتاب کم‌نظیر است و هر کس که آن را مطالعه کند، قانع خواهد شد. کسی هم که شیعه‌مذهب باشد و به اصطلاح شیعه تقلیدی باشد با خواندن این کتاب اهل تحقیق شده و می‌داند که شیعه چیست و اگر هم یک اهل سنت این کتاب را بخواند، نسبت به عقاید خود دچار تغییر و تحول و تأمل خواهد شد.

مرحوم سلطان الواعظین در این کتاب مطالب را مستدل و محکم بیان کرده است. من آرزو داشتم که این کتاب به عربی هم ترجمه شود تا اینکه ۲۰ سال قبل بیروت بودم که دیدم این کتاب به عربی هم ترجمه شده است و در جهان عرب بسیار معروف شده بود.

در لبنان و بیروت در قبل از انقلاب، تشیع ضعیف بود و حرف اول را دیگران می‌زدند. خدا مرحوم سید موسی صدر را رحمت کند که با تلاش‌های ایشان، تشیع در لبنان قوت و قدرت گرفت و وقتی که کتاب شب‌های پیشاور به عربی ترجمه شد هم در لبنان و کشورهای عربی جا باز کرد و تأثیرگذار بود. کتاب‌هایی نیز که از طرف مقابل بر رد این کتاب نوشته شده، قوی نیست و در واقع باعث ترویج همین کتاب شده است. به فارسی هم کتاب روزهای پیشاور در رد این کتاب نوشته شده

هم کتاب روزهای پیشاور در رد این کتاب نوشته شده است و من وقتی این کتاب روزهای پیشاور را خواندم، دلم برای نویسنده آن سوخت. چون با نوشتن این کتاب آبروی خودش را برده بود. به قول شاعر: «تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد»

تو مگر مجبور هستی که بد دفاع کنی. تو که مذهب خودت را حق می‌دانی، چرا باید کتابی بنویسی که هر کس آن را بخواند، وسعت دید پیدا کند و با جواب‌های شما و اشکالات و ایرادات شما قانع نشود و حتی با دیدن کتاب شما به اصل کتاب شب‌های پیشاور رجوع کند و اعتقاداتش هم دگرگون شود و به حق بگراید.

ردیه‌هایی که علیه کتاب شب‌های پیشاور نوشته شده ضعیف و سست است و اصلاً در حد و قواره این کتاب محکم و مستدل نیست.

«انتشار کتاب شب‌های پیشاور در جهان عرب بعد از کتاب‌های آقای تیجانی بود و اگر بیشتر از کتاب‌های آقای تیجانی جا باز نکرده باشد، کمتر جا باز نکرده است» و این حکایت از تأثیر گذاری آن دارد. مطالبی که ایشان در این کتاب آورده عمیق و محکم است و منشأ آثاری

«با توجه به تأثیرات کتاب شب‌های پیشاور چگونه

برخی وجود چنین مناظره‌ای را نفی می‌کنند؟»

استاد آیت الله سید علی میلانی رحمته الله علیه

کتاب ایشان کتاب مناظره است و مناظره در مکتب ما جایگاه مهمی در مسائل اعتقادی و به خصوص در مباحث امامت جایگاه مهمی دارد.

قرآن می‌فرماید: (ادعوا الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن).

«جدال بالتی هی احسن» را از روز اول اصحاب ائمه (ع) داشتند و تا امروز ادامه داشته و روش مناسب و مؤثری بوده برای دفاع از این مذهب و همچنین گسترش این مذهب.

دو شرط اساسی دارد مناظره:

۱. با متانت و با حفظ اخلاق باشد.

۲. از کتاب‌هایی که طرف مقابل قبول دارد انسان نقل بکند.

که این روش را بزرگان ما داشتند و از جمله مرحوم سلطان العلماء رحمته الله علیه روشی است که مخالفین را زمین گیر می‌کند و ناچار می‌شوند علاوه بر سب، حقایقی را انکار می‌کنند.

بنده خودم هم خدمت ایشان رسیده بودم و محضرشان را درک کرده بودم. خیلی مردم از ایشان استفاده می‌کردند. در حسینیه سادات شیرازی‌های تهران که ایشان برنامه داشتند، مردم بسیار برکات زیادی دیده بودند.

«به نظرم کتاب ایشان یک کتاب بسیار ارزشمندی است و بنده طلاب را تشویق می‌کردم تا این کتاب را مطالعه کنند و شاید مناسب باشد که جزء کتب درسی حوزوی قرار بگیرد.»

الان برخی هستند مثلاً کتاب (المراجعات) را منکر می‌شوند، یا می‌گویند کتاب (الامامه و السیاسة) اصلاً برای ابن قتیبه نیست.

بوده و هست.

من از یکی از مقامات لبنان شنیدم که حدود ۵۰ میلیون نفر از مردم در جهان عرب به تشیع گرویده‌اند. حتی شنیدم در یکی از مناطق قاهره ۱۶ هزار نفر به تشیع گرویده‌اند. خوب مشخص است که ما از ایران مبلغ خاصی به مناطق دیگر ارسال نکرده‌ایم. پس تأثیر این کتاب هاست که باعث شده تشیع گسترش پیدا کند و بنده کتاب‌هایی در مکه مکرمه خریداری کردم که در آن‌ها از همین گسترش تشیع ابزار نگرانی شده و نسبت بدان هشدار داده بودند. امکانات ما در حوزه علمیه طوری نبوده که مبلغ به دیگر نقاط جهان عرب بفرستیم. «اگر تشیع رشد می‌کند به خاطر کتاب‌های علمای شیعه و حضور مجاهدانی چون سید حسن نصرالله است و الا نمی‌شود این حجم از تشیع و استیصار بدون دلیل باشد»

نقش کتاب‌هایی مانند شب‌های پیشاور در این میان بسیار ویژه است. شهرت این کتاب از خود مرحوم سلطان الواعظین بیشتر است و ایشان را با این کتاب می‌شناسند و گفته می‌شود: صاحب شب‌های پیشاور. ایشان انسان مخلص، خدوم و دلسوزی بود و برایش مهم نبود که نامش مطرح شود و آنچه که برایش مهم بود این بود که مذهب حق مطرح شود و گسترش بیابد. خداوند هم آرزوی او را برآورده کرد و کتاب وی از عوامل مطرح شدن و گسترش تشیع بود و هست.

خداوند ایشان را رحمت کند و با مادرش حضرت فاطمه زهرا(س) که پرچمدار دفاع از ولایت بود، محشور فرماید و به شما عزیزان هم که در تلاش برای گسترش مکتب اهل بیت(ع) و نجات گمراهان از ضلالت به هدایت هستید، توفیق عطا کند. ان شاء الله آثار و برکات کارهای شما هم به زودی مشهود باشد. هر چند آن کسی که باید بداند و این برکات را ثبت کند، می‌داند و می‌بیند؛ والحمد لله رب العالمین.



این شیخی که ما از ایشان پذیرایی کردیم و با آن‌ها در ارتباط بودیم را می‌بینیم که منکر می‌شوند و می‌گویند شیعیان چنین آدمی را جعل کردند!

مرحوم علامه حلی در یکی از کتاب‌هایشان نوشتند که من میرفتم بغداد و با بزرگ‌فقه‌های شافعیه جلسه داشتم. در یکی از جلسات یکی از ایشان به من گفت که من هم شیعه هستم مثل شما و من مستبصر شدم و مرحوم علامه خوشحال شدند و به او گفتند که چطور هست که تشیع خودت رو اعلام بکنی؟

او گفت که اگر تشیع را اعلام بکنم زندگی‌ام به هم می‌خورد و حقوقم قطع می‌شود و شما هم که نمی‌توانید کمک کنید.

مرحوم علامه می‌نویسند که آن بزرگ‌فقه‌های شافعی وصیت کرد که او را در حرم کاظمین به خاک بسپارند و طبق مراسم شیعی او را تغسیل و تکفین و ... بکنند.

بعد ابن تیمیه که کتابی نوشته است در رد علامه حلی، می‌گوید که من از علمای بغداد پرسیدم که آیا چنین

یا مثلاً غزالی کتابی دارد که در بخشی از آن حدیث غدیر را از بعضی اصحاب نقل کرده، خوب این کتاب را بعضی تکذیب می‌کنند که اصلاً غزالی کتابی بنام (سرّ العالمین) را ندارد. گاهی نیز شخص را منکر می‌شوند که اصلاً چنین شخصی وجود نداشته.

ما زمانی مقیم کربلا بودیم، در آن تاریخ شیخ محمد مرعی انطاکی با برادرش شیخ احمد آمدند به عتبات و به منزل ما آمدند. ما به آن‌ها خدمت کردیم و پذیرایی می‌کردیم.

این دو نفر قاضی بودند از اهل سنت در شهر حلب و مستبصر شده بودند و مرحوم بروجردی برای آن‌ها شهریه اختصاص داده بودند چرا که حقوقشان قطع شده بود.

بنا شد شیخ محمد مرعی کتابی بنویسد در سیر تشیع و استبصارشان. مرحوم پدرم و دیگران منابعی در اختیارشان گذاشتند و ایشان کتاب را تالیف کرد.

«نهاد حوزه علمیه و عموم طلاب از شخصیت سلطان

الواعظین شیرازی چه چیزهایی را باید بیاموزند؟!»

استاد حجت الاسلام والمسلمین رضا مختاری رحمته الله علیه

ضمن تشکر از شما و همه بزرگواران و همکاران شما که در صدد تکمیل و تجلیل از مقام شامخ سلطان الواعظین شیرازی هستید.

تقریباً می شود گفت در این سال های اخیر نام و شخصیت ایشان مغفول بود. و توجه چندانی به ایشان نمی شد. خود همین اقدام جای قدردانی و تشکر دارد و ما هم دعا می کنیم برای همه کسانی که در صدد برگزاری این همایش برای ایشان هستند، ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

در طی این سال ها، بنده مقاله ای در شرح حال ایشان یا کتاب مستقلی که در سرگذشت ایشان چاپ شده باشد ندیده ام و ذکری هم در مطبوعات و مجلات از این بزرگوار نشده است و بنده ندیده ام.

فقط چندبار آیت الله شبیری از مرحوم سلطان الواعظین ذکر خیری کرده اند که در دو جای (کتاب جرعه ای از دریا) در ذیل عنوان سلطان الواعظین درج شده است. در آن سال ها که مناظرات ایشان اتفاق افتاده است، عده ای فکر می کنند که مسافرت به هندوستان و پیشاور کار ساده ای است و خبر ندارند چه مشقت هایی داشته و برای نمونه به دو نفر که در آن سال ها به هندوستان سفر کرده اند اشاره می کنم که معلوم شود که سفر به هندوستان چه کار پر مشقت و سختی بوده است.

یکی از آن افراد مرحوم آقای شیخ علی اسلامی هستند که تقریباً در همان سال های ۴۵ هجری قمری به هند و دهلی سفر کردند برای تبلیغ و کارهای پژوهشی و چندبار هم به میانمار فعلی رفتند و خاطرات خود را نوشته اند و از وضعیت شیعه و اوضاع هند دید خوبی به ما میدهند.

کسی وجود داشته است در بغداد؟

و علمای بغداد وجود چنین کسی را انکار کردند و علامه حلی چنین شخصی را جعل کرده.

بنده خودم بعد از این همه سال که گذشته در کتب گشتم تا بالاخره چنین شخصی را پیدا کردم و با همه ی این خصوصیات و اینکه دفن شد در حرم کاظمین و اینکه تجهیزش مطابق با مذهب شیعی بوده در منابع سنی معتبر.

« اینها هیچ مانعی ندارند که یا مناظره را تکذیب بکنند! یا کتاب را تکذیب بکنند! و یا آن عالم را تکذیب کنند! چرا که یک باطلی تاسیس شده به عنوان سقیفه و این ها به هر قیمتی شده به دنبال توجیه آن واقعه هستند. لذا بنده از علمای عامّه به «توجیه گران مآل» تعبیر می کنم.»

چرا که این مناظره اولاً با متانت انجام شده است و ثانیاً با منابع خودشان انجام شده و آدرس میدهد. که یا باید کتاب ها را منکر شوند و یا باید بپذیرند حق را؛ که حاضر نیستند به پذیرش حق.

اینست که ما وظیفه داریم از این مذهب تا می توانیم دفاع بکنیم.

ما بر اساس قاعده حرف می زنیم و منبع ارائه می دهیم. الان ببینید کتاب های جدیدی که چاپ می کنند و یا نرم افزار های کتاب ها، در آن تحریف می کنند. و اگر آن ها راه حق بودند نیازی به تحریف نداشتند.

الآن در ایران مستبصرینی که مستبصر می شوند جانشان در خطر است.

ما در اقلیت هستیم نسبت آن ها در دنیا، لکن ما منطق داریم. در مکتب ما ترور و انفجار نیست. همه ی این ها دلیل بر این است که یک کاری بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صورت گرفت که نباید انجام می شد، جلسه ای به عنوان سقیفه انجام شد که نباید می شد. همه ی آن ها در غدیر خم بیعت کردند. خودشان سبب اختلاف شدند بعد از این که در غدیر وحدتی بین

ایشان می‌فرماید اولین بار از سبزوار تا زاهدان با استر، یک ماه در سفر بودیم و بعد پاکستان و هند و آن زمان هند و پاکستان یک کشور بودند و با زحمت شدید و کثیر خود را رساندند و بعد به شهر لکهنو و بعد جاهای دیگر تا میانمار فعلی و با سختی فراوان سفر مواجه شدند تا برای شیعیان و ایرانیان آن جا تبلیغ کنند.

فرد دیگری که به هند رفتند و با گاندی دیدار داشته و دیدارهای ایشان را روزنامه های محلی گزارش می‌کردند مرحوم آقای سید محمد علی مغارلکی است که ایشان هم خوشبختانه سفرنامه خود را نوشته اند از هندوستان و در کتاب (شجره مبارکه) عمدتاً سفر هند آمده است. ایشان هم در سال ۶۵ قمری در ۴۹ سالگی از دنیا رفتند و ضد بهائی‌ها خیلی فعالیت داشتند و نزدیکان ایشان فرمودند و خیلی مشهور است که بهائی‌ها ایشان را مسموم کردند و از دنیا رفت و برای مرحوم سلطان الواعظین هم بعید نیست دشمن همچین کاری کرده و ایشان را مسموم کرده باشد.



ایشان هم می‌فرماید ما از اصفهان آمدیم و تا زاهدان با ماشین پنج روز در سفر بودیم و در راه به هند با کشتی چندبار دچار سانحه شدیم.

در مقدمه کتاب که در زمان آیت الله بروجردی چاپ شده آمده که به دستور آیت الله بروجردی یا حمایت ایشان چاپ شد و ایشان هم که خیلی عقیده به تقریب و نزدیکی مسلمین بودند اصرار به چاپ کتاب داشتند و آن را خیلی شریف و مغتنم می‌دانستند و خود مرحوم سلطان الواعظین در مقدمه آوردند که ایشان و فقهاء بزرگوار بعد از خواندن کتاب مرا خیلی تشویق کردند و چون مبرا از خودستایی هستم از درج تقریظات و نوشته‌های بزرگوران از کتاب در چاپ معذورم.

در مقدمه شب‌های پیشاور غیر از آن که مواردی که مربوط به مباحث تاریخی دارد و مربوط به چگونگی تشکیل جلسه است. نکاتی دارد که می‌توان استفاده کرد از جمله شرارت‌های کسروی برای ایشان است که چقدر سلطان الواعظین از ایشان دعوت به مناظره شد و او قبول نمی‌کرد و می‌گفت مکتوب باشد که بازهم قبول نمی‌کند.

الان هم متأسفانه نسبت به کسروی مغالطاتی می‌شود که این سخنان بسیار مفید است که چقدر او دعوت به مناظره شد و قبول نمی‌کرد و شرارت می‌کرد و مباحثی که از او چاپ می‌شد مباحث غیر مربوطی بود که کسی سر در نمی‌آورد و معلوم نمی‌شد چه چیزی مراد اوست. غرض از این که خود سلطان الواعظین خیلی عالی در مقدمه کتاب مباحث جلسه را فرمودند و گفته‌اند آنجا سی سال داشتند.

این نکته باید مورد توجه متولیان حوزه قرار گیرد که یک طلبه ۳۰ ساله اینقدر عالم است که بعد از عتبه بوسی اهل بیت علیهم‌السلام و بعد از زیارت مشهد وارد کراچی و پیشاور شده و این مباحث را ارائه می‌کند.

«ما باید آموزش بدهیم که چطور یک طلبه ۳۰ ساله وارد مرکز اهل سنت شده و به پاکستان آمده و آنجا او را برای

منبر و مناظره دعوت کردند و می‌فرمایند هیچ آمادگی قبلی هم نداشتند.

انسان هر روز هم که اهل مطالعه و مباحثه باشد خیلی از مسائل را فراموش می‌کند و به حسب ظاهر عادی نمی‌آید و یک طلبه ۳۰ ساله اینقدر مسلط که کتاب را می‌بینیم انگار یک محقق در کتابخانه آن را نوشته است.» مهم‌ترین چیزی که از این همایش می‌توان یاد گرفت و به حوزه‌ها هدیه داد این است که طلبه‌های آن موقع چه کار می‌کردند و سرّ موفقیت آن‌ها چه بوده؟

نکته دوم مطالب در خصوص انحرافات و شیطنتهای کسروی است و سعی علما در برابر اوست. «ایشان یک غیرت عجیبی داشتند از دفاع از تشیع و مذهب و آن بحث‌های با یهود و مسیحیان نیز نشأت گرفته از همین مطلب است.»

در پایان این جلد شب‌های پیشاور برخی از اجازات علماء درخصوص ایشان آمده است که تعابیر بسیار عالی و دقیق است.

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری (موسس حوزه علمیه قم) می‌فرمایند ایشان اهل اجازه و سزاوار است و تعابیر بسیار عجیبی در خصوص ایشان در ۳۰ سالگی ایشان می‌فرمایند.

«خود این کتاب شب‌های پیشاور بزرگترین دلیل بر مقام علمی ایشان است که با اینکه هیچ تشکیلات یا نهادی پشت کتاب ایشان نبود، این کتاب بارها چاپ و به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه از جمله اردو، عربی و انگلیسی و... و توزیع گردیده است.»

آنچه موجب تأسف است این است که بعد از ۵۰ سال از وفات ایشان می‌گذرد، جلسه تکریم و تجلیلی از ایشان برگزار نشده است و مقام علمی ایشان معرفی نشده و امیدواریم این کار شما موجب جبران مافات باشد و مورد رضایت صاحب مذهب، امام صادق علیه السلام و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیک باشد.

مرحوم آیت الله بروجردی در کنار اندیشه تقریبی درستی که داشتند، از نشر این کتاب شب‌های پیشاور و کتاب مرحوم میرحامد حسین حمایت می‌کردند.

«الان آن طلبایی که درصدد وعظ و خطابه هستند باید امثال سلطان الواعظین را الگو قرار بدهند و کثرت مطالب را یاد بگیرند.»

در خطابه‌ها مرحوم سلطان الواعظین، مرحوم راشد و آقای فلسفی که نگاه کنید کثرت مطالب علمی و اینکه در هر جا با توجه به جمعیت و سطح آن‌ها سخنرانی می‌کردند و در خطابه آن‌ها اصلاً مطلبی که مورد مسخره معاندین و... باشد نیست و کاملاً علمی و مفید و جا دارد طلبه‌ها این کثرت مطالعه را از قدمای خود یاد بگیرند که چقدر مطالعه برای یک منبر می‌کردند و همه مطالب متکی بر آیات و روایات و مطالب عقلی بوده است و برای همیشه به درد می‌خورد.

«نشر همین کتب و برگزاری همایش‌ها در خصوص استبصار موجب تقویت این روحیه می‌شود و ما اگر حقیقت مذهب اهل بیت علیهم السلام را نشان دهیم کافی است و نیاز نیست کسی را مجبور کنیم و همین که مثل سلطان الواعظین و میرحامد حسین واقعیت مذهب را بگوییم کافی است و نباید دنبال این باشیم که افراد را مستبصر کنیم، بلکه همین که واقعیت مذهب را بگوییم منجر به دگرگونی قلوب می‌شود.»

یکی از دلایل موفقیت امام موسی صدر در لبنان را هم همین مطلب می‌گویند که واقعیت مذهب را می‌گفت و از مطلب خود هم کوتاه نمی‌آمد. برای مسلمانان شیعه و سنی و مسیحی‌ها منبر می‌رفت و واقعیت مذهب را می‌گفت و از حقانیت اهل بیت علیهم السلام هم ذره‌ای کوتاه نمی‌آمد و این امر منجر شده است که افراد زیادی را جذب کند.

خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید به سبب تکریم این بزرگ مرد.

«جریان نگارش کتاب شب‌های پیشاور را

به تفصیل ذکر فرمایید.»

استاد آیت الله یوسفی غروی رحمته الله علیه

در ایامی که بنده در عتبات بودم، مرحوم سید محمد سلطان الواعظین شیرازی چندین بار مشرف شدند و لذا حقیر نیز ایشان را زیارت کردم.

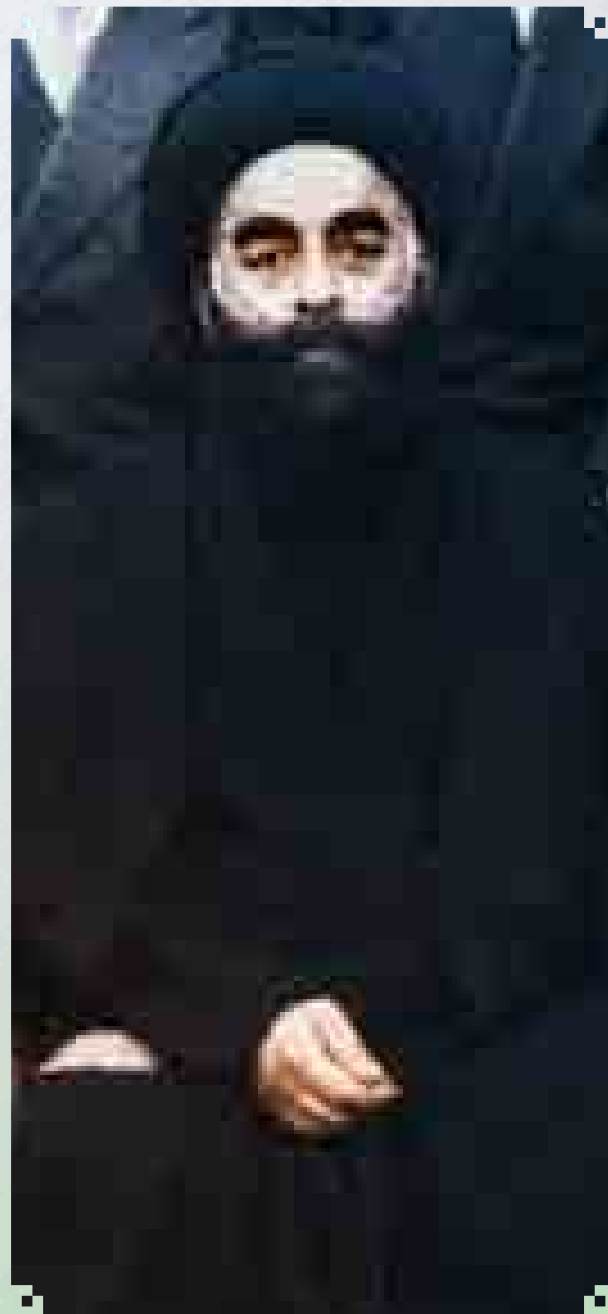
گرچه ایشان تا ۳۰ اثر دارند اما شهرت ایشان مربوط به کتاب شب‌های پیشاور، کتاب شماره یک ایشان بوده است.

همانطور که خود ایشان در مقدمه ذکر کردند بعد از این که پدر بزرگوار ایشان از شیراز به تهران منتقل شدند در حدود ۳۱ سالگی پس از زیارت عتبات از طریق بصره به بمبئی رفتند که آن زمان با توجه به این که پاکستان از هندوستان جدا نشده بود ایشان با نام هند آن را ذکر کرده اند.

به شهرهای مختلفی سر زدند حتی در برخی از مجالس ایشان خود گاندى حضور داشته است.

عمدتاً مجلسی که انعکاس بیشتری پیدا کرده، مجلسی است که در شهر پیشاور عده ای از شیعیان آن جا که به نام طایفه بزرگ قزل باش ایشان را دعوت کرده بودند در پیشاور مجالس عمومی و خصوصی داشتند در شب‌ها این مساله به گوش علمای اهل سنت افغانستان می‌رسد. اما خبر درست منتقل نشده بود و ایشان فکر کردند سید محمد تبلیغ منفی دارد، علمای سنی به قصد تصحیح افکار ایشان از هرات و کابل راهی پیشاور شدند و همین مطلب باعث شد این مناظرات ایجاد شود.

آن‌ها از سلطان خواستند اخلاق خوش در مناظرات را رعایت کنند و ایشان هم می‌گویند چون من از نسل نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستم بیشتر موظفم اخلاق نیکو را رعایت کنم چه این که «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ».



آن‌ها از نسب سلطان سؤال می‌کنند و سلطان الواعظین هم از نسب خود می‌گویند.

بعد سوالات ایشان شروع می‌شود. این سوالات را چهار نفر روزنامه نگاری که شهرت داشتند در آن دیار می‌نوشتند و البته خبرنگاران دیگری هم بودند ولی این چهار نفر به صورت ممحض بودند و بعد به مرحوم سلطان الواعظین می‌دادند و ایشان با حک و اصلاح این‌ها را حفظ می‌نمودند و در آخر به صورت کتاب شریف شب‌های پیشاور درآمد و خود اسم این کتاب نیز جالب است و مخاطب را مشتاق می‌کند تا ببیند این کتاب چیست و شب‌های پیشاور چه بوده است؟

آن چه جالب هست این است که حدود ۲۰ سال قبل سیدی از سادات کربلایی جناب آقای سید حسین فالی آقازاده سید احمد فالی که داماد مرحوم میرزا مهدی شیرازی کربلایی بود با تشخیص پدر دست به تعریب این کتاب می‌زند و کتاب شب‌های پیشاور را به عربی می‌نویسند و در واقع به اصل بیان ائمه یعنی عربی برگرداندند و حدود ۶۰۰ صفحه است و هم در سوریه، عراق، لبنان و ایران تا حالا بیش از ۱۵ مرتبه چاپ شده است.

«در بعضی از دانشگاه‌ها که رفته بودیم بعضی احساس تمنی می‌کردند که ای کاش منابع این کتاب بازنگری شود چون بعضی از آن‌ها اصلاً موجود نیست و یا خیلی نادر است.»

و این نکته را خوب است که اینجا بگویم که مرحوم سید شرف‌الدین هم که کتاب خود را می‌نوشتند بیش از ۶۰ سال پیش به کتب قدیم رجوع می‌دادند و شهید صدر در زمانی که در تحت تعقیب بودند و برای زیارت خداحافظی سیدالشهداء رفته بودند و طلبه فاضلی را دیده و پرسیده بودند کار علمی عقب مانده ای است بگوید تا انجام بدهند، او می‌گوید رجوعات مرحوم سید شرف‌الدین برای کتب قدیمی است و الان شاید



«چگونه سلطان الواعظین به این جایگاه در منبر رسید؟!»

استاد حجت الاسلام والمسلمین نظری منفرد رحمته الله

بنده بارها با همکاران خود مطرح کرده‌ام که در عرصه خطابه، آنچه مخاطب نیاز دارد و بگوییم خیلی مهم است، امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: پیامبر طیب دوار بطبه بودند و پزشک دقیقاً مرهم را روی زخم می‌گذاشتند و ما نیز باید همین کار را بکنیم چون پیامبر بهترین اسوه است (لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه).

مسائل اعتقادی یک مسأله است که بحث می‌طلبد و بحث با برهان باید باشد و در همین زمینه کتاب شب‌های پیشاور استفاده می‌شود و از این کتاب معلوم می‌گردد ایشان در مباحث اعتقادی مهارت داشته است چون انسان نمی‌تواند

عده ای همین را دستاویز کند و بگویند آدرس‌ها صحیح نیست و همچنین کتابی ما ندیدیم و بهانه‌گیری کنند که این مطالب دروغ است.

آقای شیخ حسین رازی حجازی صاحب کتاب (زیارت عاشورا فی المیزان) سه سال در کتابخانه‌های ایران مشغول تحصیل منابع زیارت عاشورا بودند که الان گرفتار هست در حجاز بخاطر ترویج اسلام و تشیع.

این کار را کردند و تمام آدرس‌های کتاب مراجعات را به آخرین کتب اهل تسنن به روز کردند و این بشارت را به شهید صدر دادند ولی ایشان فرمودند من تحت تعقیب هستم و نمی‌توانم کتاب را بگیرم و درصدد نشر آن باشم. ایشان گفته به ایران که می‌روم با خود می‌برم. بعد آنرا در بیروت چاپ کرد با نام (سبیل النجاة فی تنمة المراجعات) که منابع مراجعات به آخرین نسخه‌ها تطبیق داده شده است.

در مقدمه کتاب شب‌های پیشاور بحثی می‌کند که «این بحث‌ها نه تنها مخالف تقریب و وحدت نیست بلکه موجب نزدیکی می‌شود چون مسلمین عقیده یکدیگر را بفهمند و فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام است. که (الانسان اعداء ما جهل) پس اگر بدانند و عقیده یکدیگر را بفهمند دیگر تهمت نمی‌زنند و مشکلات دیگر پیش نمی‌آید»

البته هر کاری روش خودش را دارد و باید به روش خود بیان شود و معقولانه بیان شود.

فقط یک کلمه بگویم که ایشان (سلطان الواعظین) را وقتی با خانواده خود به کاظمین رفتند روزی به حمام رفته بودند در خود حمام و به صورت ناخوشایندی ایشان را دستگیر کردند و این خبر به نجف رسید و بیت آیت الله شاهرودی، آقازاده ایشان مرحوم آسید علی شاهرودی این خبر را به صورت خبر ناگوار دادند و برای همه بسیار سخت بود و خدا نیامرزد افرادی که احترام علماء مخصوصاً شهید صدر و سلطان الواعظین را نگه نداشتند.



در مناظره و بحث دستش خالی باشد و کتاب آنقدر سلیس است که مردم عادی هم اگر بخوانند بسیاری از مطالب را می فهمند و البته باید قبل از این ها یادی کنیم از مرحوم سید شرف الدین که کتاب شریف (المراجعات) را بسیار روان و زیبا نوشتند و این کتاب ها بسیار در بحث امامت و کلام اهمیت دارند و یاد بکنم از مرحوم مظفر که کتاب (دلایل الصدق) که با حواشی چاپ شده است که پاسخ های جالب و شیوای ایشان به اشکالات قاضی روزبهان به علامه حلی است که حرف های سستی زده است و مرحوم مظفر مستدل جواب داده اند.

و در عصر ما شخصیت بزرگوار مرحوم سلطان الواعظین که بحر این مسائل است و بحث های ایشان با علمای عامه است و در کتاب شیوای شب های پیشاور شده است و انسان می خواند و به قضاوت می نشیند.

من سختم این است که ما بیاییم و خطابه را به این سمت و سو ببریم، در گذشته این گونه نبود و مردم دنبال تحصیل سواد نمی رفتند پس با زبان دیگری با آن ها سخن می گفت ولی امروزه اکثر مردم درس خوانده اند و باید خطابه مستدل و دقیق باشد و به نیاز اعتقادی آن ها جواب داده شود و وحدت را از این مسأله جدا کرد، وحدت در عمل است اما در مسائلی که عقلی است و به ما رسیده است و فرق فلسفه و کلام این است که فلاسفه مسائل را از دیدگاه عقل مطرح می کنند و متکلمین از دیدگاه عقل و شرع.

مرحوم سلطان الواعظین آگاه بود و علمیت جامعی داشت و خوب می دانست و صحبت می کرد، رضوان خدا بر او بود. امروز هم آقایون خطباء باید مثل ایشان عمل کنند (الذین یبلغون رسالات الله ویخشون الله و لایخشون احداً الا الله و کفی بالله حسیباً).

من یک خاطره ای از ایشان دارم و با واسطه نقل می کنم. ایشان در بغداد بودند و خواستند به قبر سلمان و حذیفه برای زیارت بروند. اتفاقاً بر حسب تصادف دره ای که در نزدیکی وادی مدائن بوده است بر اثر باران

فراوان پر آب می شود و قبر جناب حذیفه دچار خرابی می شود و تصمیم می گیرند قبر ایشان را تعمیر کنند، هنگام بازسازی بدن شریف او سالم از قبر بیرون می آید و جناب سلطان الواعظین وقتی از ماجرا مطلع می شود خود را می رساند و صورت حذیفه یمانی را می بیند، خم می شوند و لب های او را می بوسند و گفتند این لب ها یقیناً دست و صورت رسول الله را بوسیده است. آن فردی که خاطره را می گفت، گفت من هم لب های سلطان الواعظین را بوسیدم و گفتیم با یک واسطه لب های حذیفه و با واسطه دست های رسول الله را بوسیده ام.

علی ای حال کارها و خدمات ایشان ماندگار و پر استفاده است و خداوند حشر ایشان را با اولیای الهی قرار بدهد. امروز خوب مستحضرید! دشمن لبه ی تیز شمشیر خود را متوجه اسلام و تشیع کرده است و با ادیان دیگر و حتی مسلمین غیر شیعه کاری ندارند چون آن ها یافته اند مکتب تشیع یک مکتب بالنده ای است و آن مکتب با اعتقادات خود به همه سوالات پاسخ می دهد بنابراین این ما هستیم که باید خودمان را در خصوص مسائل دینی چه اصول ثلاثه دین و چه در خصوص اصول مذهب است خود را آماده کنیم تا جواب بدهیم و همه ی جواب ها موجود است.

«من خیلی خوشحالم از این کار اساسی که احیا دارد می شود شخصیت هایی که در زمینه احیای دین الهی زحمت کشیدند و کتب و آثار آن ها احیا شود و احیای این شخصیت ها، احیای دین خداست. خداوند شما را موفق بدارد ان شاء الله»

من این آیه را بخوانم:

(الذین یبلغون رسالات الله و یخشون و لایخشون احداً الا الله و کفی بالله حسیباً) خداوند می فرماید من خودم کفیل این ها هستم پس معلوم می شود که این کار مهم و اساسی است که خداوند کفیل مبلغین می باشد.

«تحریف منابع در روند استبصار چه تاثیری داشته؟!»

استاد حجت الاسلام و المسلمین تیموری رحمته الله

بنده قریب به ۱۷ سال است که وقتی شروع کردم به بررسی فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام، مثلاً در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید در جلد نهم در باب «و اما اخبار الواردة فی فضائل علی بن ابی طالب» وقتی به آنجا مراجعه می‌کردم می‌دیدم که ابن ابی الحدید قریب به یازده حدیث در مورد فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام یا از «مسند الفردوس دیلمی» نقل می‌کرد و یا از «حلیه الاولیا» نقل می‌کرد و یا از «مسند احمد» و یا «فضائل الصحابه لاحمد بن حنبل» نقل می‌کرد.

اما این ۱۱ حدیث از فضیلت امیرالمؤمنین که از مسند احمد نقل می‌کند دیگر اصلاً در چاپ‌های جدید مسند احمد وجود ندارد. حتی در کتاب فضائل صحابه‌ی جدید نیست.

در این ۱۷ سال قبل که شروع کردم به تتبع وقتی مراجعه می‌کردم مثلاً به کتاب جلال‌الدین سیوطی مراجعه می‌کردم، در جامع الاحادیث یا جمع الجوامع یا خصائص الکبری یا الدر المنثور یا هیثمی در کشف الاسرار عن زوائد المسند البزار یا همین هیثمی در مجمع الزوائد منبع الفوائد و یا ...

یا اگر از علمای شیعه بخواهید که شاید قریب به ۱۰ مجلد کتاب از احادیث باشد که اهل سنت فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را از شیعیان نقل کرده‌اند؛ مثل مناقب آل ابی طالب ابن شهرآشوب یا مثل سید بن طاووس و ... وقتی مثلاً مراجعه می‌کردم و جلال‌الدین سیوطی می‌گوید این روایت را احمد بن حنبل این روایت را در مسندش آورده است، درست است که این روایت در چاپ‌های جدید مسند بن حنبل نیز موجود است، لکن صدر و ذیل روایت حذف شده است و یا حتی وسط روایت حذف شده و به هم چسبانده شده است.



وقتی جلوتر آمدم دیدم سبحان الله وضع خیلی فراتر از این‌هاست و حذفیات آن‌ها بسیار زیاد هست تا جایی که دیده می‌شود در نسخه‌های جدید و یا نرم‌افزارهای حدیثی، راوی را تغییر داده‌اند.

مثلاً یک مثال بزنم «نسخة المجالس عبدالرحمن صفوری شافعی» که بنده ۷ چاپ جدید از این کتاب را دیدم. که در یکی از چاپ‌هایش که در دهه‌های اخیر چاپ شده است به نام «کاستریه ی مصر» در اول کتاب آورده است که این نسخه جدیدترین نسخه و کامل‌ترین نسخه است وقتی انسان این نسخه را در کنار نسخه‌های خیلی قدیمی‌تر از این کتاب می‌گذارد، می‌بینیم در باب حضرت امیر صلوات الله علیه و در باب حضرت زهرا سلام الله علیها و در باب امام مجتبی و سیدالشهدا علیهما السلام، در همین سه باب قریب به ۶۰ حدیث حذف شده است . چطور آمده است در اول کتاب ادعا کرده است که کامل ترین نسخه است؟ خب این کذب است و نوعی خیانت در امانت است.

یا مثلاً المسند البزار که از ابوبکر احمد البزار هست که بعد از او حیثی آن را کمی خلاصه کرده است به نام کشف‌الاسرار عن زوائد المسند البزار، و افراد مختلفی که از مسند بزار حدیث نقل کرده‌اند، در این ۱۷ سال که با این روایات برخورد کردم و بعد به مسند بزار که مراجعه کردم برخی از احادیث را در مسند بزار دیگر نیافتم. مثلاً بنده ۷ نسخه از مسند احمد بن حنبل دیدم که قریب به ۴۸ حدیث از این مسند حذف شده است. مثلاً یکی از روایاتی که حذف شده است که سبط بن الجوزی در تذکرة الخواص و دیگران نقل می‌کنند از احمد بن حنبل و تصریح می‌کند که «رواه احمد فی مسنده» که «لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» و حال آنکه این روایت نه در مسند احمد وجود دارد و نه در فضائل الصحابه.

در این ۱۷ سال بنده قریب به ۶۳ کتاب را بررسی کردم از ۲۰۴ هـ.ق تا ۸۹۴ هـ.ق که حدود ۴۰ صفحه فقط فهرست کتاب‌هایش می‌شود که برخی ۷ نسخه و برخی ۱۴ نسخه وجود دارد و در اکثر این نرم‌افزارها مثل مکتبة الشاملة و غیره این احادیث حذف شده‌اند.

یا مثلاً کتاب تفسیری مثل تفسیر ابن منذر یا عبدالرزاق و طبری و امثالهم که یک نمونه فقط از تفسیر طبری خدمت شما نقل می‌کنم: در ذیل آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» روایتی هست که سیوطی و امثالهم آورده‌اند و در ذیل این حدیث می‌رسند به جایی که رسول خدا می‌فرماید که چه کسی بعد از من می‌تواند یاری کننده من باشد و حضرت امیر دست بلند می‌کنند و می‌فرمایند «من». در اینجا وقتی حضرت امیر دستشان را بلند می‌کنند رسول خدا می‌فرماید «یا علی انت اخی و وصیی و خلیفتی و وزیری»؛ این را نقل می‌کنند و می‌نویسند «و رواه ابن جلیل طبری فی ذیل الآیه فی تفسیره»

بنده حدود ۵ نسخه از تفسیر طبری و همچنین نرم‌افزار آن را بررسی کردم و وقتی به این آیه می‌رسیم در ذیل

آن نوشته است که قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ... کذا و کذا. یعنی به جای «یا علی انت وصیی و...» کذا و کذا گذاشتند.

یعنی اگر یک دفعه‌ی دیگر این نرم‌افزارها و کتاب‌ها بخواهد درست شود یا چاپ شوند بنده پناه می‌برم به خدای متعال که چطور خواهد شد.

سؤال: شما تعبیر خیانت را آوردید و مرحوم سلطان العلماء نیز چنین تعبیری در کتاب شب‌های پیشاور آورده‌اند. حالا این تحریف‌ها و حذف کردن‌ها به نظر حضرت عالی چقدر در روند استبصار می‌تواند خلل وارد کند؟ یا به جامعه‌ی شیعه چقدر می‌تواند ضرر وارد کند؟ خدا رحمت کند سلطان الواعظین را همچنین همه‌ی علمایی که در این راه کوشش کردند.

این نکته‌ی مهمی است و بارها خودم به آن فکر کردم که یکی از علمای اهل سنت شخصی است به نام اسماعیل بن جعفر یک روایتی ایشان از سعید بن جبیر نقل می‌کند و سعید بن جبیر می‌گوید وقتی من این روایت را از دهان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله» در ذیل این حدیث آورده است که سعید بن جبیر قسم می‌خورد که وقتی این سخن را در روز غدیر شنیدم به خدا قسم من این روایت را در تابوت خودم نوشتم.

خب اگر چنین روایاتی وجود داشته باشد طبیعتاً موجب تقویت ایمان شیعیان می‌شود و در مقابل نیز اهل تسنن را به شک می‌اندازد. و خب امثال چنین روایاتی وقتی از کتب اهل سنت حذف بشود دیگر چطور شخص می‌خواهد بیاید و مستبصر بشود؟

و دشمن نیز در همین صدد هست که چنین روایات نابی را مثل روایتی که عرض کردیم «لافتی الا علی...» حذف کند.

وقتی مثلاً یک روایتی را مثل « قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مثل اهل بيتي كمثل السفينة من ركب فيها نجى و من تخلف عنها غرق » این روایت را بوصیری و هیثمی و ابن عثمان ذهبی همچنین ابن کثیر دمشقی و امثالهم آورده اند و همگی به اتفاق گفته‌اند که این روایت را ابو یعلیای موصلی این روایت را در مسندش آورده است و حال آنکه چنین روایتی در آن کتاب وجود ندارد. یا مثلاً گاهی اصل روایت را می‌آورند و ذیل آن را حذف می‌کنند. مثلاً یک روایت را خدمت شما عرض کنم و آن الآن در مصنف ابن ابی شیبیه موجود است که از ابوهریره نقل شده است که می‌گوید ابوهریره وارد مسجد شد و یک جوانی بلند شد و گفت یا ابوهریره سؤالی از تو دارم. گفت پیرس. گفت که آیا تو از رسول خدا شنیدی که فرمود «من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»؟ ابوهریره می‌گوید بله به خدا قسم شنیدم.

و در ذیل این حدیث چنین آمده است که می‌گوید ای ابوهریره حالا که تو این روایت را از رسول خدا شنیدی پس چرا حالا تو با دشمنان علی دوست شدی و با دوستان علی دشمن شدی؟ بعد نوشته‌اند که سپس مردم او را سنگباران کردند.

اصل این روایت را اکثراً از ابن ابی شیبیه نقل می‌کنند در کتاب مصنف اش حتی ابو یعلی نیز بعد از ایشان نقل می‌کند و خیلی‌ها بعد از ابو یعلی نیز نقل کرده‌اند لکن همه از ابن ابی شیبیه نقل می‌کنند. اصل روایت موجود است اما قسمت پایانی و ذیل روایت که شخص به ابوهریره تویخ می‌کند را حذف کرده‌اند.

و قس علی هذا...

از ضروریات زمانه‌ی فعلی این ست که با این همه پیشرفت علم و پیشرفت نرم‌افزار که متأسفانه پیشرفت علم نمی‌شود گفت و پناه می‌بریم به خدا اعاذنا الله. طلبه تا جان دارد باید تلاش کند و اولاً به اصل کتاب

باید مراجعه کند و به نرم‌افزارهای فعلی و امثالهم اکتفا نکند نمی‌گویم قابل اعتماد نیست ولی دعب علمای چه شیعه چه سنی این بوده است که از متقدمین نقل روایت می‌کردند مثل ابن شهر آشوب و مثل ابن بطریق و امثال این‌ها.

این نکته نیز جالب است که سید بن طاووس در کتاب «الأمان» روایتی را نقل می‌کند و می‌فرماید که این روایت تابه‌حال فقط از طریق اهل سنت نقل شده است که حدود سال ۶۰۰ و خرده‌ای هست.

ایشان آورده است که اصل این روایت درباره‌ی پنج‌تن آل عبا علیهم‌السلام است که همان قضیه‌ی کشتی ساختن حضرت نوح علیه‌الصلاة و السلام هست که وقتی تخته‌ها را آماده ساخت بعد متحیر ماند که چگونه تخته‌ها را بر روی هم سوار کند که جبرئیل آمد و نقشه و میخ‌ها را از بهشت آورد و صندوقچه‌ای از میخ آورد که ۱۲۹ هزار میخ در آن بود (طبق نقل این روایت) که در آخر ۵ میخ در صندوقچه باقی ماند.

سید بن طاووس می‌فرماید احدی از شیعیان نقل نکرده و راوی آن شخصی است به نام ابن نجار که در ذیل تاریخ بغداد از انس بن مالک نقل کرده است. و حال آنکه چنین روایتی در ذیل تاریخ بغداد از ابن نجار وجود ندارد.

و این روایت را نه تنها سید بن طاووس بلکه متأخرین مانند مرحوم مجلسی و برخی از اهل سنت مانند ابن عراق کنانی شافعی در «تنزیه الشریعه» با اینکه ایشان آن قدر متعصب است، این روایت را نقل می‌کند و در ذیل روایت می‌نویسد که من نمی‌دانم ابن نجار چطور این روایت را نقل کرده. خب وقتی چنین روایاتی با دست ما نرسد دیگر استبصاری نخواهد بود.

به‌هرحال امیدواریم که خداوند تبارک و تعالی به ما توفیق دهد تا در راه علی بن ابی طالب عليه السلام قدم برداریم. و تأثیر چنین برنامه‌هایی چون بیدارگران بسیار می‌تواند تأثیرگذار باشد در طلاب و مردم.

«دراویش گنابادی»

من از مرحوم آقای شیخ فرج الله واعظی هیدجی از علامه مداح این مطلب را نقل می‌کنم. علامه مداح می‌گفت: با یکی از رفقا به گناباد رفتیم، تا درباره عقاید دراویش گنابادی تحقیق کنیم.

جمعی برای سرسپردگی تشریفات مخصوصی داشتند و به اصطلاح خودشان به مقام فقر مشرف می‌شدند و صالح علی شاه از عمامه اش چیزهایی باز می‌کرد و از این قبیل کارها، وسط هفته بود. برای آخر هفته، وقتی تعیین شد تا برای تشریف به مقام فقر مراجعه کنیم. در این فاصله برای زیارت حرم امام رضا علیه السلام به مشهد رفتیم و توسل و انابه کردیم که مبادا به دام آن‌ها بیفتیم و دیگر نتوانیم بیرون بیاییم و از حضرت رضا خواستیم که اگر طریق باطلی است، زودتر عنایتی بشود تا بفهمیم که این راه چگونه است. روز بعد از توسل در مشهد با یکی از تهرانی‌ها برخورد می‌کنند. آن تهرانی می‌گوید که ما جلسه توسلی داریم، شما نیز شرکت کنید. آن‌ها قبول می‌کنند. وقتی وارد جلسه می‌شوند، یکی از اهل مجلس می‌گوید: علامه، خوب شد که شما را دیدم. دیشب من در خواب دیدم که دیوی ریسمان به گردن شما و رفیقت انداخته است و شما مرا می‌کشید.

در همان وقت سلطان الواعظین داد و بیداد کرد که مردم! نگذارید این‌ها را ببرند، و ما آمدیم شما را نجات دادیم. به او گفتم: رفیق من را می‌شناسی؟ گفت: نه. گفتم: اگر او را ببینی، می‌شناسی؟ گفت: بله. گفتم: بین در این جلسه هست یا نه؟ آن شخص نگاهی به اهل مجلس کرد و همان رفیق ما را که با هم به جلسه دراویش رفته بودیم، نشان داد و گفت این شخص است.

فهمیدم که رؤیای صادق است، لذا از آن تصمیم منصرف شدم.

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی رحمته الله علیه

دکتر شهاب می‌گفت: پسر سلطان الواعظین شاگرد یک تاجر یهودی بود که در تهران از ثروتمندان درجه اول بود. پسر سلطان الواعظین به سبب درست عمل کردن و امانت داری و جهات دیگر خیلی مورد توجه و علاقه آن یهودی بود. سلطان الواعظین کسالت قلب پیدا کرد و بعد با همین کسالت نیز وفات کرد. یهودی چک سفید امضا می‌کند و به پسر سلطان الواعظین می‌دهد که هر مقدار سلطان الواعظین پول می‌خواهد، بنویسد که ایشان را برای معالجه به خارج بفرستند. پسر سلطان الواعظین چک سفید را به سلطان الواعظین می‌دهد. سلطان الواعظین می‌گوید:

«من نوکر سیدالشهداء علیه السلام، بخواهم از یهودی پول بگیرم!! مرگ برای من آسانتر از این است!»
و حاضر نمی‌شود که این پول را بگیرد.



«روایت ارتباط شما با مرحوم سلطان الواعظین شیرازی»

استاد آیت الله حسین انصاریان رحمته الله

ایامی که کلاس ششم ابتدایی را می گذراندم، در محل زندگیم خیابان اراده که یکی از خیابان های فرعی میدان خراسان تا میدان قیام بود، از برکت وجود علمای منطقه و ائمه جماعات و مردم مؤمن خالی نبود. سهم مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان در این راه ها از همه بیشتر بود، در آن برهه در مجالس مذهبی اش از سخنرانان و خطبای به نام چون خطیب مشهور حاج شیخ محمد تقی فلسفی، حاج سید مهدی قوام، حاج سید اسماعیل شفیع، حاج سید شاهرودی، حاج میرزا علی حصه ای، حاج محقق خراسانی و سلطان الواعظین شیرازی که از جایگاه ویژه ای در علم و عمل و همچنین میان مردم محل برخوردار بوده استفاده می شد، من جذب این سخنرانان و خطبا بخصوص سخنرانی و خطابه های سلطان الواعظین که اکثر بحث و به ویژه امیرمؤمنان صاحب ولایت کلیه قطعیه الهی بود سخنرانی هایش پیرامون ولایت اهل بیت شده و با او پیوندی عاطفی پیدا کردم، تا زمانی که دست رحمت الهی مرا به حوزه علمیه قم رهسپار کرد در ایام تحصیل روزهای پنج شنبه و جمعه برای زیارت پدر و مادرم که از بزرگان و وابستگان به اهل بیت اند گریه کنندگان ناب حضرت امام حسین بودند به تهران می آمدم و این در زمانی بود که سلطان الواعظین بر اثر بیماری قلبی خانه نشین بود، با سابقه آشنایی ام با سخنرانی هایش منبرهایش پنجشنبه به اجازه خود او از ساعت نه صبح تا دوازده ظهر به عیادتش می رفتم و بهره مند می شدم، ملاقات ما دو نفر به یکدیگر تبدیل به انس و الفت شد جایی که آن وجود بزرگوار مرا که هنوز در سخنرانی پختگی لازم را نداشتم به جای خود به مجالس می فرستاد و این کار او در رشد من اثر فوق العاده گذاشت.

او مردی با صلابت، با کرامت، با تقوا، اصیل و فوق العاده



منیع الطبع و اخلاقی بود به پاس داشت و به احترام علما پافشاری داشت در تشویق طلاب زبانی شیرین با او بود، افرادی معدود از علما و تجار محل که مرا در انس با او شناخته بودند گاهی پول قابل توجهی در اختیارم می گذاشتند که به آن حضرت تقدیم کنم، تا پایان عمرش یک بار هیچ پولی را نپذیرفت، تکیه و توکلش به خداوند عجیب بود، داستان سفرش به پیشاور و مباحث مستدل ده شب ی آن شهر را خودش یک بار برایم تعریف کرد، شیرینی بازگو کردن سفرش هنوز در ذائقه ام چون عسل شیرین است، امید داشتم تا پیش از درگذشتش بقیه کتاب های او که بیش از چهل جلد می شد چاپ شود ولی این امید در دلم ماند و لباس تحقق نپوشید تا لحظات مرگش از عیادتش باز نایستادم، شاهد درگذشتش بودم که با ذکر مداوم همراه بود و نهایتاً روح بلندش به ملکوت پرواز کرد و در جوار حضرت معصومه سلام الله علیها در شهر قم آشیانه آل محمد آرام گرفت.

همواره با کتاب با ارزشش (شب های پیشاور) زنده است.



عالم کرامت در مروج آیت الله سلطان الواعظین شیرازی قدس سره



سال با علم و بیان خود در راستای دفاع از حریم مقدس
کوشش و فعالیت نموده است. کتاب معروف ایشان «تفسیر
پیشاور» حاصل یکی از مناظرات مشهور این عالم ربانی
خلیف سرشناس است که دارای شهرتی جهانی می باشد.
از حاضر با گوشه ای از احوال، افکار، آثار و خدمات او
بزرگمرد پنجادهمین سالگرد ارتحال ایشان، آرزو
خواهید شد.

همایش بیدارگران (۳)

پیام حضرت آیت الله العظمی سبحانی رحمته الله

به همایش سلطان الواعظین

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (انحل ۱۲۵)

دانش کلام و عقاید از محوری‌ترین دانش‌ها برای حوزه‌های مبارک علمیه است، ضرورت پرداختن به این دانش پراج و لزوم اعتنای طالب و فاضل بدان، برکسی مخفی و پوشیده نیست. به‌ویژه با گسترش ارتباطات و افزایش مرادوات با پیروان دیگر ادیان و مذاهب، برای تبیین معارف مکتب اهل بیت وزدودن شبهات ضرورت آن مضاعف شده است. همچنین وعظ و خطابه یکی از فنون رایج در حوزه‌های علمیه است که در کنار هم قرار گرفتن این علم و این مهارت وسیله‌ای مناسب برای انتشار معارف و آموزه‌های ناب شیعی است.

یکی از وعاظ متکلم در روزگار ما مرحوم حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید محمد موسوی شیرازی ملقب به سلطان الواعظین است که اینک گردهمایی پنجاهمین سالگرد ارتحال او سامان دیده شده است. سلطان الواعظین در تهران عصر قاجار در بیتی رفیع که خدماتی فراوان به مکتب و ملت داشته اند متولد شد. او پس از تحصیلات خویش در تهران و کربلا و بهره جستن از محضر علمایی چون سید علی شهرستانی، شیخ غلامحسین مرندی و شیخ موسی کرمانشاهی، با تأسیس حوزه علمیه قم توسط مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به این حوزه هجرت نمود و از محضر ایشان و بزرگانی مانند آیت الله شاه آبادی رحمة الله بهره‌مند شد. ایشان اجازات روایی متعددی از عالمان و مشایخی مانند حضرات آیات:

حائری یزدی، طباطبایی غروی تبریزی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ عبدالله مامقانی و دیگر بزرگان داشت.

ایشان ضمن اشتغال به فن خطابه و منبر و گرایش بسیار به مطالعه، در بحث و تحقیق علمی به ویژه در مباحث کلامی و عقاید و مسائل خلاف بین مذاهب مهارت پیدا کرد و در دانش کلام، ملل و نحل، تاریخ، رجال، تفسیر، حدیث و... متبحر شد. او را به سبب توانایی فوق العاده و تبحر وافر در القای خطبه‌های پر مغز و منابر پر محتوا که با بیان زیبا و جذاب و گیرا همراه بود، به حق ملقب به سلطان الواعظین نموده اند. مرحوم سلطان الواعظین





انسانی سلیم النفس، بلند همت و با اراده بود، در بیان بسیار شیوا و صریح اللهجه و در عین حال مؤدب و عقیف بود. وی در زمینه ترویج فرهنگ بحث و مناظره با رعایت آداب علمی و منطقی آن، از کارنامه ای درخشان برخوردار است. کتاب «شب های پیشاور» در بردارنده مناظرات ایشان در شهر پیشاور پاکستان و کتاب «گروه رستگاران» مشتمل بر مناظرات مستمر وی با عده ای از علما و دانشجویان اهل تسنن مشغول به تحصیل در شهر تهران است. کثرت چاپ و ترجمه های کتاب شب های پیشاور ناشی از تأثیرگذاری این اثر ارزشمند است. مرحوم سلطان الواعظین با قلم خویش آثار فراوان دیگری نیز پدید آورده است که غالباً در مباحث کلام و عقاید و پیرامون اصول مذهب است. بسیار شایسته است اولیای امور آثار مخطوط ایشان را که طبعاً هر کدام ارزنده و مفید است، به حلیه طبع آراسته و منتشر نمایند تا جامعه از این تألیفات مفید بهره مند گردد.

این مرد غیور و ولایتمدار تغافل و کوتاهی در امر ولایت را بر نمی تافت و همواره تلاش داشت بابت بیان احادیث، سیره و تاریخ پیشوایان، جامعه را در این زمینه قوی نگاه دارد، لذا تجلیل و بزرگداشت از مرحوم سلطان الواعظین، تجلیل از ولایت است.

اینجانب یاد و خاطره آن خطیب فرزانه و متکلم گرانمایه را گرامی داشته و برای ایشان طلب رحمت و مغفرت الهی دارم و همه عشاق اقلیم ولایت را به مطالعه آثار ارزنده ایشان توصیه می کنم و ضمن تشکر از دست اندرکاران همایش نکوداشت مرحوم سلطان الواعظین، سعادت و بهروزی همگان را در ظل توجهات و عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء مسئلت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

جعفر سبحانی

قم - مؤسسه امام صادق علیه السلام

۱۷ رجب المرجب ۱۴۴۳ برابر ۳۰ بهمن ۱۴۰۰

گزارشی از همایش بیدارگران ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

با استعانت از الطاف الهی آیین نکوداشت و تجلیل از شخصیت علمی و مجاهدتی و دفاع از حریم امامت و ولایت را که به سومین نشست از سلسله نشست‌های بیدارگران به ابعاد شخصیتی حضرت آیت الله سلطان الواعظین شیرازی رحمته الله علیه اختصاص داشت.

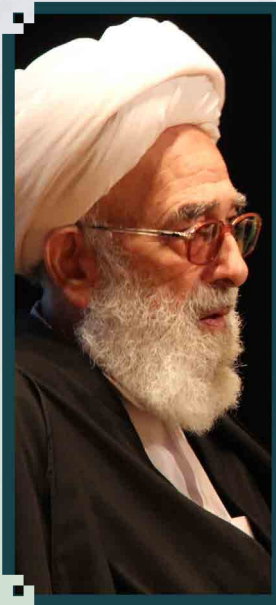
در این جلسه پس از تلاوت قرآن و پخش سرود ملی حجت الاسلام و المسلمین دکتر روستا آزاد به ایراد سخن پرداختند.

دکتر روستا آزاد در این جلسه به توضیحاتی در مورد همایش پرداخته و در مقام تجلیل از مقام علمی مرحوم سلطان الواعظین به ایراد سخن پرداختند.

ایشان فرمودند: علت انتخاب این ایام این است که امسال پنجاهمین سال رحلت مرحوم سلطان الواعظین است. ایشان مهرماه سال ۵۰ بعد از مدت طولانی از در بستر بودن به رحمت خدا رفتند.

برنامه جلسه به همت موسسه ابوتراب و دوستانی از موسسات مختلف به ایشان کمک کردند و هرکه مساعدت کرده است تشکر می‌کنم. همچنین جناب آقای نجفی کتاب بسیار خوبی را درباره آقای سلطان الواعظین شیرازی، مجمع جهانی شیعه شناسی جناب آقای دکتر پیمان و دوستان عزیزشان در سه جلد چاپ کردند. مرکز تحقیقات کامپیوتری نور که همت کردند و نرم افزار ایشان را پدید آوردند.

نکته دوم: الگویی که ایشان معرفی کردند در عین تلاش و دلسوزی برای هدایت دیگران و تاکید بر مبانی اصیل شیعه که خودشان هم فرمودند: کتاب شب های پیشاور دفاع از حریم تشیع است اما بدون اهانت و بدون تفرقه و فتنه انگیزی و تنها بر تاکید و ابتدای سخنان بر منطق، استدلال، آیات و روایات که الگویی است و در دوران اخیر می‌تواند یک نمونه و مدلی از



استاد نظری منفرد رحمته الله علیه در سخنرانی خویش به چند نکته اشاره فرمودند: فن مناظره یکی از فنون مهم در اسلام است. عمل و سیره اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که فن مناظره بدون اینکه هتک و بی حرمتی باشد پذیرفته شده است. هشام بن حکم شخصیتی اهل مناظره بود که از اصحاب امام کاظم و امام صادق علیهم السلام بودند.

هشام بن حکم به مدینه می‌آمد خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسید، یک سفری هم در حج در منا خدمت امام صادق علیه السلام بوده است. یک مناظره ای هم در آنجا دارد، اما در این اواخر عمر در بغداد ساکن شده بود. ایشان در ادامه از اهمیت دادن اصحاب اهل بیت علیهم السلام به فن مناظره سخن گفتند و فرمودند: مرحوم سلطان الواعظین هم به بیان و هم به تَبَان و هم در مناظره انسان موفقی بود و آثاری که از ایشان باقی مانده مثل شب های پیشاور و گروه رستگاران شاهد صدقی بر این امر است. ایشان از یک نظر سرمایه علمی که داشت و هم فن مناظره داشت

توده ای، یهودی ها، مسیحی ها، براهمه هند و... با همه نشست و برخاست داشته است. در دهه بیست به رضاشاه اعتراض داشت بخاطر اینکه رضاه شاه ضربه بزرگی به حوزه های علمیه زد به این اعتبار که موقوفات را ویران کرد، دهه بیست و سی اعتراض داشتند در سال ۱۳۲۷ در یک سخنرانی در مسجد شیخ عبدالحسین تهران که باعث دستگیری ایشان می شود. در دهه سی و دهه چهل نسبت به برخی جریان های که نخست وزیری هویدا زمانش پیش می آمد نسبت به تعطیل شدن نشریه های دینی که اعتراضهایی داشت. سعی شده در این کتاب تا جایی که امکان داشته اطلاعات جمع آوری شده است. ماه شعبان سال ۹۱ قمری یعنی ۱۳۵۰ شمسی به رحمت خدا می روند. ایشان بعد از تشییع خیلی باشکوه تهران، به قم منتقل می شوند و در قبرستان ابو حسین دفن می شوند.



مناظره یک فن است. آداب مناظره را باید ببیند. ایشان هر دو جهت را داشت، هم سخنروی توانایی بود و هم از فن مناظره آگاه بود.



حجت الاسلام نجفی نویسنده کتاب «مدافع ولایت» سلطان الواعظین فرمودند:

در طی ۵۰ سال که از ارتحال ایشان گذشته است آثارشان متعدد چاپ شده است. ایشان خصلتی که داشته اند و عادتتی که داشتند با هرکسی که می نشستند، ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام را داشتند. یک خصلت که در مرحوم سلطان وجود دارد و از آثارشان به دست می آید. تخصص ایشان در زمینه های مختلف است. ایشان به حدی تسلط دارند خیلی شبیه کردند، که کتاب ایشان کتابی ساختگی هست و مناظراتی وجود نداشته است. عثمان الخمیس سنی در برخی کتاب هایش می گوید کسی به اسم سلطان الواعظین وجود خارجی ندارد این جعل شیعیان است. علت این تهمت ها هم بخاطر تاثیرگذاری ایشان است. ما رصد کردیم بیشتر از ۴۰۰ بار اصل کتاب به زبان فارسی چاپ شده است. غیر از برخی تلخیص ها حدود ده دوازده زبان هم ترجمه شده است. در ادامه فرمودند:

ایشان نه از مناظره هراس داشتند و نه از مردم دوری می گرفتند. نسبت به جریان های الحادی، کمونیستی،

